



## Critique of the Entry of “Marriage” in Oliver Lemon’s Quran Encyclopedia\*

Najma Qafi<sup>۱</sup>  
Muhammad Hassan Zamani<sup>۲</sup>

### Abstract

Orientalists’ interest in Quranic research as a scientific subject with many applications has increased in the present era. Obviously, these researches have some positive and negative points. “The Quran, An Encyclopedia”, known as the Encyclopedia of the Quran and edited by Oliver Lemon, is one of the new Quranic researches in which there are also articles about women in the Quran such as the article “Marriage”. The article “Marriage” written by Ms. “Kicia Ali” deals with various issues such as creation and mating, barriers to marriage, marriage contract and rights and duties arising from marriage. This article, along with some useful materials, has ideological, jurisprudential, etc. doubts that need to be identified and answered. Orientalists, as scholars whose scope of propaganda is international in nature and whose objections to the teachings of the Quran cause the world to misunderstand the Quran, it is necessary to critique and respond to their objections. The present article, with a descriptive-analytical method, first deals with the positive aspects of the article in the field of correct mentioning of marriage issues and then examines five weaknesses in increasing the rights of men over women in three areas of divorce, polygamy, male’s management, and female’s less authority in front of the spouse and the lack of implication of the Quran on the sequence of creation of man and woman. The findings of the study indicate that the Orientalists’ theories that there is no injustice between men and women from the perspective of the Quran are incorrect. According to the Quran, men and women are equal in the value of humanity and the only criterion is the superiority of piety; but in social life, according to the coordinated system of rights and duties, the duties and responsibilities of men are different from those of women.

Keywords: Orientalists, the Encyclopedia of Quran, Oliver Lemon, Kicia

---

\*.Date of receiving: ۳۰,May,۲۰۲۱- Date of correction: ۶,December,۲۰۲۱ -Date of approval: ۱۸,December,۲۰۲۱.

-MS in Islamic Sciences, Qom University of Islamic Sciences. (Corresponding Author) [goftogoo@iran.ir](mailto:goftogoo@iran.ir)

- Associate Professor, Department of Comparative Quranic Studies, Al-Mustafa International University, ۲ Qom: [mhzamani@yahoo.com](mailto:mhzamani@yahoo.com)



## نقد مقاله «ازدواج» دانشنامه قرآن الیور لیمن\*

نجمه قافی<sup>۱</sup> - محمدحسن زمانی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهتمام مستشرقان به پژوهش‌های قرآنی به مثابه یک موضوع علمی که دارای کاربردهای متعددی است، در عصر حاضر فزونی یافته است. بدیهی است که این پژوهش‌ها خالی از نکات مثبت و منفی نیست. «قرآن، یک دائرةالمعارف» معروف به دائرةالمعارف قرآن با سرویراستاری الیور لیمن یکی از پژوهش‌های قرآنی نوپدیدی است که مقالاتی نیز راجع به زنان در قرآن همچون مقاله «ازدواج» در آن وجود دارد. مقاله «ازدواج» نوشته خانم «کیسیا علی» به بحث‌های مختلفی مانند خلقت و جفت شدن، موانع ازدواج، عقد ازدواج و حقوق و تکالیف ناشی از نکاح می‌پردازد. این مقاله در کنار برخی مطالب مفید دارای شبهات عقیدتی، فقهی و... است که شناساندن و پاسخ به آن‌ها را بایسته می‌سازد. مستشرقان به‌عنوان دانشمندانی که گستره تبلیغات آنان جنبه بین‌المللی دارد و اشکالات آنان بر آموزه‌های قرآن موجب بدفهمی جهانیان نسبت به قرآن می‌شود، ضروری است که به نقد و پاسخ اشکالاتشان به جد پرداخته گردد. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نخست به جنبه‌های مثبت مقاله در زمینه ذکر صحیح مسائل مربوط به ازدواج پرداخته و سپس به بررسی پنج نقطه ضعف در زمینه افزایش حقوق مردان نسبت به زنان در سه حیطه طلاق، تعدد زوجات، قوامیت مرد، مضیق بودن اختیار زن در برابر همسر و عدم دلالت قرآن بر چگونگی توالی خلقت زن و مرد پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این سخن مستشرقان مبنی بر عدم عدالت میان زن و مرد از منظر قرآن، دور از صواب است. از منظر قرآن زن و مرد در ارزش انسانیت با یکدیگر برابرند و تنها ملاک برتری تقوا است؛ اما در زندگی اجتماعی با توجه به نظام هماهنگ حق و تکلیف، وظایف و تکالیف مردان با زنان متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: مستشرقان، دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، کیسیا علی، ازدواج.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۹/۱۵ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۷.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم. (نویسنده مسئول) [goftogoo@iran.ir](mailto:goftogoo@iran.ir)

<sup>۲</sup> - دانشیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، قم: [mhzamani@yahoo.com](mailto:mhzamani@yahoo.com)



## مقدمه

کتاب «قرآن یک دایرةالمعارف» (the Quran: an encyclopedia) به سرویراستاری الیور لیمن (Oliver Leaman) دارای ۶۸ مدخل است که از این تعداد ۲۷ مقاله آن به طور صریح یا غیر صریح مربوط به بحث زنان است. این کتاب توسط محمدحسین وقار در سال ۱۳۹۱ با عنوان «دانشنامه قرآن کریم» در یک جلد ۶۲۶ صفحه‌ای ترجمه و توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسید. یکی از مقالات موجود در این دایرةالمعارف، مقاله «ازدواج» است که توسط خانم «کیسیا علی» نوشته شده است.

خانم «کیسیا علی» (Kecia Ali) متولد ۱۹۷۲ اندیشمندی آمریکایی و اصالتاً اهل بوستون (Boston) است. وی مدرک لیسانس خود را در سال ۱۹۹۳ در رشته تاریخ و مطالعات فمینیستی از دانشگاه استنفورد (Stanford University) و کارشناسی ارشد و دکترای خود را به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ در رشته دین از دانشگاه دوک (Duke University) دریافت کرد و درحالی که در دانشگاه بود، به اسلام گروید.

کیسیا، به مطالعه فقه اسلامی و زنان در اسلام اولیه و مدرن پرداخته و به عنوان استادیار و عضو هیئت علمی گروه دین در دانشگاه بوستون فعالیت می‌کند. همچنین او علاوه بر همکاری با آکادمی دین آمریکا (American Academy of Religion)، در سال ۲۰۱۴ رئیس انجمن مطالعات اخلاق مسلمانان شد. عناوین مقالات دیگری که توسط وی در این دایرةالمعارف نگاشته شده عبارت است از: «چند همسری»، «امهات المومنین»، «همسر لوط»، «آسیه»، «مادر مریم»، «زلیخا» و «همسر ابراهیم». از جمله کتاب‌هایی که وی نگاشته است عبارت‌اند از: «اخلاق جنسی و اسلام»، «ازدواج و بردگی در صدر اسلام»، «امام شافعی»، «زندگی محمد»، «جهادی برای عدالت».

## پیشینه مسئله

در خصوص مقاله «ازدواج» در دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن مقاله، پایان‌نامه یا کتابی در منابع الکترونیکی و کتابخانه‌ای یافت نشد؛ اما به نحو عام مقالاتی در این زمینه وجود دارد. ۱. «فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت» از علی زینتی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۲۷، ۱۳۸۴؛ بررسی تطبیقی علل و چرایی، جایگاه و اهداف ازدواج در دو دین اسلام و مسیحیت از جمله مواردی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. هر دو آیین تنها راه مشروع تأمین نیاز

جنسی، ایجاد نسل پاک و تأمین محبت را در پرتو ازدواج می‌دانند، با این تفاوت که در اسلام ازدواج زمینه‌ساز قرب الهی است؛ اما در مسیحیت تجرد امری مطلوب دانسته شده است.

۲. «بررسی تطبیقی ازدواج از منظر دین اسلام و مسیحیت» از محمدعلی الهی و ولی‌الله ملکوتی فر، مجله بانوان شیعه، ش ۲۵، ۱۳۸۹؛ در این مقاله نویسنده ضمن بیان فلسفه ازدواج، به بررسی وجوه افتراق و اشتراک ازدواج در دو دین اسلام و مسیحیت پرداخته است. در هر دو دین ازدواج امری مقدس است با این تفاوت که در اسلام فلسفه ازدواج پاسخ‌گویی به ندای فطرت دانسته شده است؛ اما در مسیحیت تقدس ازدواج به دلیل ارزش ذاتی و فطری آن نیست، بلکه ارزش ذاتی برای عزویت است.

۳. «بررسی ازدواج موقت در دایرةالمعارف لیدن»، از محمد مهدی کریمی‌نیا و شهلا حایری، مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۱۰، ۱۳۹۰؛ در این مقاله نویسنده به بررسی آیه ۲۴ سوره نساء از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت پرداخته است. مفسران شیعه با توجه به این آیه و همچنین روایات معصومین (علیهم‌السلام) جواز ازدواج موقت را برداشت کرده‌اند؛ اما مفسران اهل سنت با توجه به روایتی از خلیفه دوم ازدواج موقت را حرام می‌دانند. این پژوهش تنها به بررسی جواز یا عدم جواز ازدواج موقت در کتاب دائرةالمعارف قرآن لایدن پرداخته و وارد بحث جزئیات و مباحث مختص ازدواج نشده است.

۴. «بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود» از سهیلا بوجاری و اعظم پرچم، مجله معرفت ادیان، ش ۳، ۱۳۹۲؛ در این مقاله نویسنده با مراجعه به منابع اصلی دو دین اسلام و یهود تنها به بررسی موارد مشترک در زمینه جایگاه و اهمیت ازدواج پرداخته است. ارضای نیازهای جنسی از طریق خانواده، تسریع در امر ازدواج و نکوهش عزویت از جمله موارد مشترکی است که در هر دو دین به آن پرداخته شده است.

اگرچه هر یک از مقالات نامبرده به‌صورت عام به بحث ازدواج، جایگاه و احکام آن پرداخته‌اند؛ اما آنچه نوشتار حاضر درصدد آن است، بررسی نکات مثبت و منفی مقاله ازدواج در دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن است که مطلبی به‌طور خاص در هیچ‌یک از مقالات در این زمینه یافت نشد.

## نقد و بررسی مقاله ازدواج

در این مقاله نویسنده با وجود گزاره‌هایی صحیح از آموزه‌های قرآن نسبت به مسئله ازدواج، به دلیل عدم مراجعه به قرآن و متون موثق دچار اشتباهاتی شده است که اکنون به ذکر برخی از آنها



می پردازیم.

### بخش اول: گزاره‌های مثبت

جامعیت و حقانیت احکام دین اسلام به نحوی است که برخی از مستشرقان با وجود مشکلات آنان، به صحت و درستی احکام واقعی اسلام دست یافته و آن گزاره‌ها را صادقانه عرضه کرده‌اند. در مقاله «ازدواج» نیز خانم «کیسیا علی» به ذکر صحیح مسائل مربوط به ازدواج پرداخته و نظریه اسلام را به درستی بیان کرده است که اکنون به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

#### یک. ذکر صحیح اهداف ازدواج در قرآن

در مقاله «ازدواج»، خانم کیسیا علی از ازدواج به عنوان یک فضیلت در اسلام یاد می‌کند. ایشان به اهداف فردی و اجتماعی ازدواج که از جمله حفظ پاک‌دامنی، حفظ نسل، سبب دوستی و رحمت است، اشاره کرده است. وی در این رابطه چنین می‌نویسد:

«مشخصه ازدواج برای مقاصد عشق، صمیمیت و رحمت است. ازدواج موجب پیشبرد برنامه خلقت الهی از طریق تولیدمثل و برقراری رابطه قرابت است که زیربنای سازمان اجتماعی است.» (کیسیا علی، «ازدواج»، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۶۲).

#### دو. ذکر صحیح موانع ازدواج در قرآن

کیسیا علی، در ذیل عنوان «موانع ازدواج» به ذکر زنانی که ازدواج با آن‌ها حرام است، می‌پردازد و موانع ازدواج در قرآن را مبتنی بر سه حیظه خویشاوندی، دین و تعداد می‌داند؛ به عنوان مثال ازدواج با زنانی که قرابت خونی با مرد دارند، ازدواج با زنانی که قرابت خونی با یکدیگر دارند، به طور همزمان مثل دو خواهر یا خاله و دخترخواهر یا عمه و دختربرادر، ازدواج با مادرزن (نساء/ ۳۱)، ازدواج میان مؤمن و کافر (ممتحنه/ ۱۰)، ازدواج با زن مسلمانی که مرتکب زنا شده است (نور/ ۳) و ازدواج با زنی که همسر دارد، جایز نیست.

#### سه. ذکر صحیح شرایط عقد ازدواج

نویسنده این مدخل مداخله خویشاوندان زن در بحث ازدواج را جایز ندانسته و به درستی به ذکر بحث صدق که جزو اموال مایملک زن است پرداخته است (نساء/ ۲۴).

وی در این زمینه می‌نویسد: «اغلب فقها بر این باورند که زنان باید یک خویشاوند پدری یا یک

قاضی برای انجام عقد ازدواج از طرف آن‌ها داشته باشند. ازدواج علاوه بر موافقت، مستلزم پرداخت صداق به شکل پاداشی مالی از طرف شوهر به زن است.» (کیسیا علی، «ازدواج»، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۶۳).

### چهار. ذکر صحیح حقوق و تکالیف ناشی از ازدواج

بحث نفقه و ارث زن از شوهرش (نساء/ ۱۲) یکی دیگر از مواردی است که با توجه به آیات قرآن در این مقاله به درستی بیان شده است.

در آیه درجه (بقره/ ۲۲۸) منظور از برتری درجه‌ای که زوج بر زوجه دارد را طبق نظر مفسران، اقتدار و مسئولیت مرد می‌داند و در آیه ۳۴ سوره نساء ایشان پس از تبیین معنای نشور زنان، به بررسی مسئله زدن زنان از دیدگاه علمای مسلمان می‌پردازد و این امر را مشروط بر آن می‌داند که پند و دوری از خوابگاه در زنان اثر نداشته باشد، در این صورت با لحاظ کردن شدت و محل ضربه، مرد حق منصرف کردن همسر خود را دارد.

در آخر ایشان برای نشان دادن موضع قرآن نسبت به زنان با توجه به آیه ۳۵ سوره نساء این‌گونه می‌نویسد: «زن مسلمان در اختلافات زناشویی بی‌پناه نیست، هرگاه زوجین نتوانند میان خود به توافق برسند، حکم‌هایی از هر دو خانواده باید بکشوند که این اختلاف را برطرف سازند.» (کیسیا علی، «ازدواج»، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۶۵).

### بخش دوم: گزاره‌های منفی

برخی از مستشرقان به دلیل بی‌اطلاعی از آموزه‌های واقعی قرآن و اسلام و احیاناً به دلیل تعمد، پیرامون آموزه‌های قرآن در خصوص حقوق زنان در خانواده، اشکال‌هایی را مطرح کرده‌اند و بدون توجه به نظام هماهنگ حق و تکلیف، قائل به نابرابری حقوق زنان و مردان شده‌اند.

(Carol R. Ember, Melvin Ember, Encyclopedia of Sex and Gender "Men and Women in the World's Cultures", p10)

برای کلمه «حق» تعاریف گوناگونی در علم فلسفه، حقوق، دین و... ارائه شده است، ولی آنچه از کلمه حق در اینجا مدنظر است، حق در برابر تکلیف است. حق چیزی است که بر عهده دیگران است، ولی تکلیف چیزی است که بر عهده فرد است. در نتیجه حق به نفع فرد است، ولی تکلیف به نفع دیگران است (جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ۱۳۸۸: ۳۵).

تکالیف و حقوق تناظر طرفینی دارند و با یکدیگر دو روی یک سکه‌اند و هیچ‌گاه در روابط



اجتماعی از یکدیگر جدا نمی‌شوند. هرگاه فرد تکالیف خود را انجام داد، آنگاه می‌تواند، حق خود را از طرف مقابل مطالبه کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوِلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ وَ الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصِفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصِفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْفِهِ ... ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا وَ يَوْجِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ لَا يَسْتَوْجِبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ» (شريف رضى، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: ۳۳۳)؛ «بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حق تعالی با حکومت دادن من بر شما برای من حقی بر شما قرار داده است و همان‌طور که مرا بر شما حقی است، شما را نیز بر من حقی است و حق، فراخ‌ترین چیزها است، هنگام وصف و گفتگوی با یکدیگر؛ و تنگ‌ترین چیزها است، زمان کردار و انصاف دادن با هم. کسی را بر دیگری حقی نیست، مگر اینکه آن دیگری را هم بر او حقی است و آن دیگری را حقی بر او نیست، مگر اینکه او را هم حقی است و اگر کسی را بر دیگری حقی باشد که دیگری را بر او حقی نباشد، چنین حقی مختص به خداوند سبحان است و آفریدگانش را (حتی انبیاء و اولیاء) چنین حقی نیست؛ ... پس خداوند سبحان از جمله حقوق خود برای بعض مردم بر بعض دیگر حقوقی واجب فرموده و حقوق را در حالات مختلفه برابر گردانیده و بعضی آن‌ها را در مقابل بعض دیگر واجب نموده و بعضی از آن حقوق وقوع نمی‌یابد، مگر به ازا بعض دیگر (مثلاً زن نسبت به شوهر حق نفقه ندارد، مگر در برابر اطاعت و پیروی از او و همچنین سائر حقوق مانند حق پدر بر فرزند و مالک بر مملوک و همسایه بر همسایه و خویش بر خویش و به عکس) (فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۴/ ۶۸۱ - ۶۸۴).

در این خطبه حضرت به تلازم و برابری حق و تکلیف در انسان‌ها اشاره دارند. در نتیجه هیچ‌کس نمی‌تواند بدون آن‌که تکلیفی انجام دهد، تقاضای حقی داشته باشد و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند تکلیفی را بر دوش کسی بگذارد، بدون آن‌که برایش حقی مناسب با آن تکلیف در نظر بگیرد.

به‌عنوان مثال زمانی زن می‌تواند مطالبه نفقه را از مرد داشته باشد که وظیفه تمکین را به‌درستی انجام دهد. هریک از زن و مرد میان حقوق و تکالیفشان، نسبت تساوی برقرار است. به این معنا که حقوق هر فرد به میزان تکالیف او است و کمتر یا بیشتر نیست. در صورتی می‌توان گفت عدالت میان زن و مرد

برقرار است که هر یک، از حقوق متساوی با توجه به وظایف و مسئولیتشان بهره‌مند شوند، نه حقوق متشابه.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/۲۴۲)؛ در مقایسه حقوق و تکالیف زن و مرد می‌نویسد: «زن و مرد در احکام عبادی و حقوق اجتماعی با یکدیگر مشترک‌اند، مگر در مواردی مانند ارث، عهده‌داری حکومت، قضا، جهاد و حمله بر دشمن، حجاب، اطاعت از شوهر و تمتع که طبیعت خود زن اقتضا دارد که با مرد فرق داشته باشد. در عوض این محرومیت‌ها، اسلام حقوقی را برای زن قرار داده است؛ مانند نفقه و حمایت از جان و مال و آبرو زن بر عهده مرد قرار دارد، زن حق تربیت فرزند را دارد و در ایام حیض و نفاس عبادت از او ساقط است.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲/۲۷۲).

بهترین مؤید برای بیان حقوق متقابل زن و مرد آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۲۸) است. این آیه به حقوقی که زنان بر شوهران دارند، از قبیل نیکی معاشرت با آنان، ضرر نزدن به آن‌ها، مساوات در قسمت بیتوته، نفقه و لباس و همچنین حقوقی که مردها بر همسرانشان دارند، مانند لزوم اطاعت زن از مرد در چیزهایی که خدا واجب کرده است (مانند حق آمیزش، عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر) و این‌که کسی را به خود راه ندهد و نفقه و فرزند شوهر را به‌طور صحیح رعایت کند، اشاره دارد (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲/۵۷۵؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰: ۲/۳۷۷).

از نظر اسلام زن و مرد در سه بُعد علمی و فرهنگی، اقتصادی، انسانی و الهی (Ruth Roded, "Women and the Quran", Encyclopaedia of the Quran, p ۵۲۳) با یکدیگر تفاوتی ندارند، ولی از نظر ساختمان جسمانی، جنبه‌های عاطفی و عقلانی، شرایط خاص روحی و روانی و موقعیت‌های اجتماعی (نوشین و اسکندرلو، نقد و بررسی مقاله زنان و قرآن، ۱۳۹۲: ۵/۱۱۹) تفاوت‌هایی میان آن دو برقرار است و به دلیل وجود این تفاوت‌ها، احکام و تکالیف متفاوتی هم در زندگی برای هر یک وجود دارد؛ بنابراین با توجه به هماهنگی نظام حق و تکلیف، اسلام برای مردان و زنان حقوق مشابهی قرار نداده است؛ چراکه تکالیف مشابهی هم ندارند. اسلام حقوق و تکالیفی که برای زن و مرد قرار داده، متناسب با اختصاصات جسمی، روحی و عاطفی هرکدام است و نام این تناسب عدل است؛ زیرا عدل به معنای «وضع الشی فی موضعه» است. «کیسیا علی» به دلیل بی‌توجهی به قانون نظام هماهنگ حق و تکلیف، در مقاله خود اشکال





تبعیض جنسیتی را بر قرآن در برخی از مسائل ازدواج مطرح کرده است که اکنون به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

### یک. افزایش حقوق مردان نسبت به زنان در خصوص طلاق

خانم «کیسیا علی» ادعا کرده است که مردان نسبت به زنان از حقوق بیشتری برخوردارند. به عقیده او در رابطه با حقوق زنان در اسلام در زمینه‌های ارث، ازدواج، طلاق و جنایات جنسی ادعاهای خشنی شده است. (Kecia Ali, MARRIAGE AND SLAVERY IN EARLY ISLAM, p۴)

وی در دایرةالمعارف قرآن ذیل مقاله «ازدواج» چنین می‌نویسد:

«ازدواج حقوق و تکالیفی را برای زوجین ایجاد می‌نماید؛ اما تقابل ادعاها یکسان بودن شوهر و زن را تلویح نمی‌کند. در بعضی حوزه‌ها از جمله طلاق، تعدد زوجات و حل و فصل اختلافات زناشویی، شوهران از حقوق بیشتری برخوردارند.» (کیسیا علی، «ازدواج»، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۶۲).

### تحلیل و بررسی

با توجه به این‌که در برخی موارد حق طلاق به دست مردان است، نویسنده در خصوص طلاق عقیده دارد که مردان در این زمینه از حقوق بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. گرچه اسلام تأکید زیادی بر حفظ نهاد خانواده و تحکیم روابط عاطفی و پیشگیری از جدایی نموده است؛ اما در صورتی که امکان زندگی مشترک برای یک خانواده وجود نداشته باشد، طلاق را اجازه داده است؛ اما این‌که مقتضای حکمت و عدالت این است که طلاق به دست چه کسی باشد، مجموعاً پنج فرض در مورد حق طلاق متصور است:

۱. آزاد گذاشتن حق طلاق به صورت مساوی برای زن و مرد؛ به صورتی که هرکدام هر لحظه بخواهند بدون هیچ‌گونه محدودیت و شرطی حق طلاق داشته باشند و راه خروج از این زندگی برای زوج و زوجه برابر باشد. از سوی دیگر همه قید و بند های قانونی و اخلاقی جلوگیری از طلاق و همه تدبیرهای حکیمانه برای حل اختلاف و تثبیت نهاد خانواده و پیشگیری از طلاق و جدایی حذف شود. این فرض پیامد ناگواری دارد و آن فراوانی طلاق‌ها و بی‌ثباتی و ازهم‌پاشیدگی نهاد خانواده در جامعه است.

۲. حذف کلی طلاق از اجتماع و الزام مرد و زن به ادامه زندگی تا آخر عمر؛ به این دلیل که خانواده

یک نظام مقدس است و تحت هیچ شرایطی نباید گسسته شود، مانند مسیحیت کنونی. این فرض مستلزم تحمل یک زندگی تلخ و ناکام خواهد بود.

۳. ازدواج تنها از طرف مرد قابل انحلال باشد؛ و از طرف زن به هیچ وجه قابل فسخ نیست.

۴. ازدواج تنها از طرف زن قابل انحلال باشد؛ در این صورت فرض سوم و چهارم مصداق تبعیض

است.

۵. ازدواج و کانون خانواده مقدس است و طلاق منفورترین حلال است؛ اما قانون نباید راه خروج از ازدواج‌های ناموفق را ببندد، بلکه باید ضوابطی تعیین گردد که از شتاب‌زدگی طلاق پرهیز گردد و تا حد امکان صلح و آشتی جای طلاق را بگیرد. این همان نظریه اسلام است. طبق دیدگاه اسلام، راه خروج از زندگی باید هم برای مرد و هم برای زن وجود داشته باشد؛ اما راه خروج هرکدام از زن و مرد با دیگری متفاوت است؛ چراکه خصوصیات هر یک با دیگری متفاوت است. به‌عنوان مثال عواطف و احساسات در زنان قوی‌تر از مردان است و تصمیم عجولانه و رنجش سریع از جمله صفات بانوان است؛ ولی مرد موجودی عقلانی و منطقی است و از تحمل و بردباری بیشتری نسبت به زنان برخوردار است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۴: ۲۹۶-۲۹۹).

چنان‌که «الیور لیمن» در مقاله خود می‌نویسد: «اسلام به شوهر حق طلاق همسر خود را می‌دهد. به‌علاوه، اسلام به زن نیز حق انحلال نکاح را می‌دهد.» (الیور لیمن، دانشنامه قرآن کریم، (طلاق)، ۱۳۹۲: ۳۲۶).

اسلام راه خروج را برای هر یک از زن و مرد در بحث طلاق قرار داده است، ولی این به معنای آزادی مطلق نیست، بلکه عوامل محدودکننده هم برای زن و مرد وجود دارد تا هیچ‌یک شتاب‌زده اقدام به طلاق نکنند. از جمله محدودیت‌های مردان در بحث طلاق این است که:

یک. با توجه به آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا» (نساء/۳۵)؛ مرد موظف است در موارد اختلاف، پیش از تصمیم به طلاق به حکم رجوع کند (حکماً مِنْ أَهْلِهِ) تا در صورت امکان، اختلاف میان همسران برطرف شده و نهاد خانواده حفظ شود.

دو. در صورت تصمیم جدی بر طلاق، مرد از سوی شرع موظف می‌شود که کل مهریه را یکجا به زن بپردازد تا شاید سنگینی این بار او را از تصمیم به طلاق بازدارد.

سه. پس از طلاق، خداوند به مدت سه‌پاکی دوران عده را برای زن قرار داده است تا به این وسیله



جلوی تصمیم به جدایی قطعی، پس از طلاق رجعی را از مرد بگیرد و از سوی دیگر این امکان به زن داده شود که بتواند در این مدت نظر مرد را نسبت به استمرار طلاق برگرداند و او را آماده برای رجوع به زندگی کند.

چهار. نوع طلاق عادی را تا دو مرتبه (طلاق رجعی) قرار داده که مجدداً امکان عقد ازدواج بین آن دو میسر باشد.

پنج. پس از سه مرتبه طلاق رجعی که با فاصله صورت گرفته است، نه آن که در یک مجلس، اسلام قدرت بازگشت به زندگی را از مرد گرفته است و طلاق تبدیل به طلاق بائن می‌گردد. با توجه به روایت امام رضا علیه السلام اسلام به این وسیله می‌خواهد، جلوی سبک شمردن طلاق و اذیت کردن زنان به وسیله طلاق‌های پی‌درپی را بگیرد (ابن‌بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/۵۰۲).

«الیور لیمن» در رابطه با طلاق رجعی به اشتباه چنین می‌نویسد: «دستور روشن در قرآن را می‌توان در آیه ۲۲۶ بقره مشاهده کرد که دستور می‌دهد، طلاق باید دوبار جاری شود (در ۲ ماه) و پس از آن باید زن را یا با احترام نگه داشت یا با محبت آزاد ساخت...؛ طلاق باید دو بار با فاصله اعلام شود، برای آنکه در آن مدت بازاندیشی و بررسی و آشتی کنند.» (الیور لیمن، دانشنامه قرآن کریم، (طلاق)، ۱۳۹۲: ۳۲۷).

حال آن که مدلول آیه «لَلَّذِینَ یُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ رَسُولَ رَحِیمٍ» (بقره/۲۲۶)؛ این مطلب الیور لیمن نیست، بلکه در آیه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا یَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَتْكُمُوهَنَّ شَیْئاً إِلَّا أَنْ یَخَافَا أَلَّا یَقِیمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِن خِفْتُمْ أَلَّا یَقِیمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلاَ جُنَاحَ عَلَیْهِمَا فِیمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلاَ تَعْتَدُوهَا وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۲۹)؛ که دلالت بر طلاق رجعی است، آمده است که تنها پس از دو بار طلاق رجعی مرد حق دارد به همسرش رجوع کند و پس از طلاق سوم محلل لازم است.

البته این سخن ایشان که همانند شیعه قائل است که باید طلاق با فاصله صورت گیرد و در یک مجلس نمی‌توان زن را سه طلاقه کرد، حرف صحیحی است که برخی علمای اهل سنت به دلیل دستور عمر که سه طلاق در یک مجلس را جایز شمرد، به آن قائل نیستند (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۱/۲۷۹).

از طرفی دیگر نیز برخی از عالمان اهل سنت مانند شیخ محمد شلتوت رئیس سابق دانشگاه الازهر نظر شیعه را پذیرفته و آن را منطقی می‌داند. او که به دلیل مقایسه میان مذاهب به آراء مذاهب مختلف

از جمله شیعه مراجعه کرده است، در برخی موارد از جمله حکم جواز یا عدم جواز سه طلاق در یک مجلس، نظر شیعه را محکم و استوار می‌داند و در این زمینه می‌نویسد: «سه طلاق در یک جلسه و با یک عبارت از نظر مذاهب چهارگانه عامه، سه طلاق محسوب می‌شود، ولی طبق عقیده شیعه امامیه یک طلاق بیشتر به حساب نمی‌آید و چون راستی از نظر قانون (و ظاهر آیات قرآن) رأی شیعه حق است، دیگر نظریه عامه ارزش فتوایی خود را از دست داده است.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۷۱/۲).

از جمله دلایلی که شیعیان جاری کردن سه طلاق در یک مجلس را تنها یک طلاق به حساب می‌آورند، روایت «رکانه» است که از ابن عباس نقل شده است:

«طَلَّقَ رُكَاةٌ بِنِّ عُبْدِ بَرِيدٍ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَحَزِنَ عَلَيْهَا حُزْنًا شَدِيدًا فَسَأَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص كَيْفَ طَلَّقْتَهَا قَالَ طَلَّقْتُهَا ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَقَالَ ص إِنَّمَا تِلْكَ وَاحِدَةٌ فَأَرْجِعْهَا إِنْ شِئْتَ فَرَاغَهَا؛ روزی رکانه پس از سه طلاقه کردن همسرش در یک مجلس، سخت پشیمان شد، پس نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان دستور خواست. رسول خدا ﷺ پس از آن که متوجه سه طلاقه کردن او در یک مجلس شدند، فرمودند که این یک طلاق به حساب می‌آید و تو می‌توانی به همسرت رجوع کنی.» (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۲۷۹/۱؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۰ ق: ۶۸۲/۲؛ حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ۱۹۸۲: ۵۳۰).

شش. اسلام برای جلوگیری از طلاق‌های متعدد به تهدید غیرتی مرد پرداخته و به وجود محلل پس از طلاق سوم هشدار می‌دهد. خداوند به زن و مرد دستور می‌دهد که پس از جاری شدن سه مرتبه از صیغه طلاق، دیگر حق بازگشت به یکدیگر را ندارند، مگر آن‌که زن ابتدا با مردی دیگر ازدواج کند و پس از جدایی از او آنگاه حق بازگشت به همسر خود را دارد؛ اما زن هم در اسلام ممنوع از طلاق نیست، بلکه برای او نیز چند مرحله در نظر گرفته شده و اختیاراتی به زن داده شده است.

یکم. با توجه به آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/۳۵)؛ زن هم مانند مرد برای قانع ساختن شوهر خود و الزام او به رعایت وظایف قانونی همسری‌اش، حق مراجعه به حکم را دارد (حکماً مِنْ أَهْلِهَا). به این صورت که هر کدام از زوجین، یک شخصیت مورد قبول از خانواده و معتمدین خویش را به عنوان داور انتخاب می‌کنند تا آنها با مشورت هم اختلاف را حل کنند.

دوم. در صورتی که این حل اختلافات درون فAMILI نتوانست احقاق حقوق زن را نماید، زن حق دارد

به قاضی شکایت کرده و قاضی پس از اثبات، حقوق زن را از مرد مطالبه نماید.  
سوم. در صورت گردن نهادن مرد به توصیه‌های حکم و احیاناً ادامه نقض حقوق زن، این زن است که حق درخواست طلاق را دارد.

در این مورد دو نوع طلاق وجود دارد:

الف. شریعت اسلام برای زن میدان و مجالی بازکرده تا در موقع عقد و آغاز زندگی، زن اجازه حق طلاق را به وکالت از مرد داشته باشد. همان‌طور که اکنون در متن‌های مصوب دفترچه‌های عقد جمهوری اسلامی به آن تصریح شده است.

ب. نوع دوم، طلاق رسمی خلع است؛ به این معنا که زن در یک معادله‌ای احساس کند که مرد در صورت ادامه زندگی مشترک تضییع حقوق زن را به اندازه‌ای ادامه می‌دهد که اصلاً برای زن قابل تحمل نیست و راحت شدن زن از زندگی مشترک با چنین مرد ظالمی به قیمت بخشش مهریه می‌ارزد؛ در این صورت حق طلاق با زن است و زن با بخشیدن مهریه از مرد جدا می‌شود و مرد حق هیچ‌گونه تصمیم‌گیری و نقضی ندارد؛ اما اسلام شرط بخشیدن کل مهریه را در طلاق خلع مطرح می‌کند تا زن به دلیل احساساتی بودن و رنجش از رفتار نامساعد مرد، شتاب‌زده اقدام به طلاق نکند.

با توجه به موارد مذکور می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در اسلام هیچ‌یک از زن و مرد ممنوع از درخواست طلاق نیستند، ولی به این صورت که انحلال ازدواج پس از عدم امکان آشتی و حکمیت ﴿فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾ اصولاً از اختیارات مرد است و زن این اجازه آزاد را به دلیل امکان تصمیم‌گیری سریع به طلاق ندارد؛ اما در صورت اضطرار و عدم امکان صلح، راه محدود و ضابطه‌مندی برای درخواست طلاق از سوی زن وجود دارد و از سوی دیگر با توجه به موقعیت هرکدام عامل محدودکننده برای هر یک از طرفین در بحث طلاق در نظر گرفته شده است.

## دو. افزایش حقوق مردان نسبت به زنان در خصوص تعدد زوجات

دومین اشکال «کیسیا علی» در عبارتی که ذیل شبهه اول ذکر شد، بحث تعدد زوجات است که اکنون به بررسی آن خواهیم پرداخت.

### تحلیل و بررسی

تک‌همسری طبیعی‌ترین فرم زناشویی است که نقطه مقابل آن چندهمسری است. تعدد زوجات به معنای داشتن چند زن برای یک مرد است که از جمله احکام امضایی اسلام است. قبل از اسلام هم

چند همسری وجود داشته (دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۷۸: ۵۱/۱)؛ و اسلام آن را نه اختراع و نه نسخ کرد؛ بلکه تنها آن را اصلاح نمود.

رسم تعدد زوجات پیش از اسلام در ملت های مختلف مانند مصر، چین، هند و ایران (رضی، دانشنامه ایران باستان، ۱۳۸۱: ۳۸۳/۱) و در ادیان مختلف غیر از مسیحیت (Lev E. Weitz, "Between Christ and Caliph", p1۷۳) وجود داشته است؛ به عنوان مثال در کتاب مقدس یهودیان آمده است که انبیا بزرگ الهی مانند: حضرت ابراهیم (کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۱۳۷۹: ۱/۲۵ - ۶)، حضرت یعقوب (کتهمان: ۲۲/۳۲)، حضرت سلیمان علیه السلام (همان: اول پادشاهان، ۳/۱۱) زنان متعدد داشتند.

از جمله اصلاحات و شرایطی که اسلام در زمینه تعدد زوجات انجام داد، بحث تعداد همسران بود که محدود به چهار زن کرد: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنٍ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» (نساء/۳)؛ چراکه در دوران جاهلیت مردان می توانستند هر تعداد همسر که می خواهند به عقد خود در آورند و محدودیتی در تعداد همسران نداشتند. به عنوان مثال غیلان بن سلمه ثقفی پیش از اسلام آوردنش ده همسر داشت (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ۱۴۰۵ق: ۲۲۸/۱)؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق: ۶۹/۱۲). همچنین حارث بن قیس الاسدی و عروه بن مسعود، پیش از مسلمان شدنشان همسران زیادی داشتند (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ۱۴۰۵: ۳۹۶/۱؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ۱۳۸۶: ۲۵/۱۰۵۶).

عدالت میان همسران اصلاح دیگری بود که اسلام در زمینه تعدد زوجات انجام داد. قرآن کریم می فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء/۳)؛ اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا فِي الْقِسْمِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا مَائِلًا شِقُّهُ حَتَّىٰ يَدْخُلَ النَّارَ وَ مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ» (مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۷)؛ قمی، سفینه البحار، ۱۴۱۴: ۱۸۸/۶)؛ «هر کس دو زن داشته باشد و در میان آنها به عدالت رفتار نکند (به یکی از آنها بیشتر از دیگری اظهار تمایل کند)، در روز قیامت محسور خواهد شد، در حالی که یک طرف بدن خود را به زمین می کشد تا سرانجام داخل آتش شود.»

علاوه بر شرط تعداد و عدالت، امکانات مالی و جسمی و غریزی مرد نیز به نوبه خوب واجب است. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «مَنْ جَمَعَ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَا يَنْكُحُ فَرَزَنِي مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَالِإِثْمِ عَلَيْهِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/۵۶۶؛ مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۱۴۰۴: ۲۰/۴۲۲؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۸: ۱۹/۳۵۷-۳۶۳)؛ «هرکس گروهی از زنان را نزد خود گرد آورد که نتواند آنها را از لحاظ جنسی اشباع نماید و آنگاه آن‌ها به زنا و فحشا بیافتند، گناه این فحشا به گردن اوست.»

در نتیجه از نظر نگارنده اسلام با وجود این شرایط چندمسری را ضابطه‌مند کرده است و برای کسانی که توانمندی و شرایطش را دارند، جایز شمرده است؛ درحالی‌که نظام غرب ارتباط نامشروع را تجویز و ترویج می‌کند. غرب این‌گونه روابط حرام را تجویز می‌کند؛ زیرا در قانون کشورهای اروپایی ارتباط نامشروع مرد با زن جرم محسوب نمی‌شود و مجازات ندارد؛ روابط نامشروع تنها در صورتی جرم تلقی می‌شود که تجاوز به عنف و بدون تمایل زن انجام گرفته باشد. علاوه بر این فیلم‌سازان و نویسندگان رمان‌های غربی سعی می‌کنند، برای ترویج این‌گونه روابط آن را عادی جلوه داده و به آن تشویق کنند.

در آخر می‌توان گفت با توجه به فزونی عمر زنان به دلیل بیشتر بودن مقاومت آنان در برابر بیماری‌ها نسبت به مردان، پایین‌تر بودن سن قدرت باروری در زنان نسبت به مردان (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴/۱۸۶ و ۱۸۷)، یائسگی زود هنگام و حیض و حاملگی زنان، فزونی نسبی عدد زنان آماده به ازدواج بر مردان آماده به ازدواج و با توجه به این‌که حق تأهل یک حق طبیعی بشری است و مرد در بحث تعدد زوجات تنها پیشنهاددهنده است و قبول آن از طرف زن محقق می‌شود؛ پس در واقع اسلام با تجویز تعدد زوجات بزرگ‌ترین خدمت را به جنس زن کرده است و اصلاً قصد تحقیر زن را نداشته است؛ زیرا در صورت ممنوع بودن تعدد زوجات، زنانی که شوهرانشان را به دلیل جنگ، طلاق و تصادف و... از دست داده‌اند، ملزم به زندگی مجردی و محروم بودن از این حق طبیعی تا آخر عمرشان خواهند بود.

آقای علی اکبر محزون مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال کشور گزارشی از واقعیت جامعه زنان و مردان ایران را ارائه کرده است که نشانگر لزوم تعدد زوجات برای نجات دختران مجرد از مجردی است: «آمار دختران و پسران ازدواج نکرده و در سن متعارف یا همان قبل از مجرد قطعی در سال ۱۳۹۳ نشان‌دهنده آن است که در این آمار دختران از پسران پیشی گرفته‌اند.

در مجموع یک میلیون و سیصد هزار نفر دختر و پسر قبل از تجرد قطعی در کشور وجود دارد که ۹۸۰ هزار نفر آن را خانم‌ها و ۳۲۰ هزار نفر را آقایان تشکیل می‌دهند. آمار دختران و پسران قبل از تجرد قطعی نشان می‌دهد که شمار دختران در این زمینه سه برابر بیشتر از مردان است. (www.khabaronline.ir، خبر آنلاین، ۱۳۹۸).

### سه. افزایش حقوق مردان نسبت به زنان در خصوص حل و فصل اختلافات زناشویی

در عبارت ذکر شده از خانم «کیسیا علی» ذیل شبهه یکم، بیشتر بودن حقوق مردان در حل و فصل اختلافات زناشویی سومین حق مردان است که زنان از آن برخوردار نیستند.

#### تحلیل و بررسی

این سؤال مطرح است که مقصود نویسنده از حقوق بیشتر مردان در حل و فصل اختلافات زناشویی چیست؟ اگر ظاهر همین عبارت؛ یعنی در مواردی که زن و مرد در تضییع حقوق یکدیگر اختلاف نظر دارند، مراد نویسنده باشد و او ادعا می‌کند که اسلام و قرآن اختیارات نابرابر به زن و مرد داده است؛ این ادعا کاملاً باطل و برخلاف صریح قرآن است. در قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام برای جلوگیری از ایجاد اختلاف میان زن و شوهر در قدم اول به مردان توصیه می‌کنند که به نیکی با همسر خود تعامل کنند. قرآن مجید به مردان دستور می‌دهد که با زنان خود به خوبی معاشرت کنند ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ (نساء/ ۱۹).

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «همیشه با همسرت مدارا کن و با او به نیکی هم‌نشینی کن تا زندگی‌ات باصفا شود.» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۴۱۲: ۲۱۸؛ احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة علیهم‌السلام، ۱۴۲۶: ۲/۲۱۱).

با وجود این توصیه‌ها، در صورتی که میان زن و مرد اختلافی به وجود آمد، در زمینه رفع اختلافات زناشویی در قرآن راهکارهای گوناگونی مطرح شده است. نخستین راه‌حلی که قرآن برای حل اختلافات زناشویی پیشنهاد می‌دهد، صلح است: ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ...﴾ (نساء/ ۱۲۸)؛ یعنی یکی از آن دو از پاره‌ای حقوق خود چشم‌پوشی کند؛ اما در مواردی که صلح کارساز نشد، مراجعه به حکم راه‌حل بعدی است. خداوند در آیه ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يريدا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا﴾ (نساء/ ۳۵) می‌فرماید: اگر اختلافی میان زن و مرد رخ داد، نماینده‌ای از طرف مرد و زن به‌عنوان حکم به مشورت می‌پردازند و در این تصمیم‌گیری ذره‌ای





اختیار بیشتر به نماینده مرد داده نشده است.

اگر مراد «کیسیا علی» با توجه به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء/ ۳۴)؛ قوامیت و مدیریت مرد و تقدم حرف مرد بر حرف زن در خروج از منزل باشد (گرچه عبارت وی اشاره‌ای به آن ندارد)؛ می‌توان این‌گونه پاسخ داد که با توجه به توانمندی‌های متفاوت زن و مرد، خدمات متفاوتی از هر یک وجود دارد. مدیریت در حیطه بیرون از منزل به عهده مرد است؛ زیرا تسلط و اشراف مردان به مسائل اجتماعی و معضلات جامعه بیشتر از زنان است و مدیریت درون منزل به عهده زن است چون، قدرت تربیتی زنان بیشتر از مردان است. اگر بر فرض زن آزاد باشد، دیگر در این صورت مرد نمی‌تواند او را کنترل کند و زمینه مشکل و فساد در زن وجود دارد؛ ولی مدیریت مرد باعث صیانت زن و خانواده می‌شود و با عقلانیت بیشتر خود به حفظ نظام خانواده کمک می‌کند.

اگر مراد نویسنده با توجه به ادامه آیه پیشین «وَالْآتَى مَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء/ ۳۴) حق زدن زنان توسط شوهرانشان در صورت نافرمانی و نشوز آنان باشد؛ باید گفت دستور به زدن زنان زمانی است که دو مرحله قبل از آن یعنی موعظه و دوری در بستر خواب مؤثر واقع نشود؛ در این صورت مرد حق دارد، برای به راه آوردن زنی که در برابر شوهرش رو به نشوز آورده است، او را تنبیه کند. در اواخر آیه با آوردن این جمله که اگر از شما اطاعت کردند، حق تعدی بر آن‌ها را ندارید، می‌خواهد به مخاطب بفهماند که اگر در حین هر یک از مراحل زن نافرمانی را کنار گذاشت، مرد دیگر حق ادامه و تعدی کردن بر زن را ندارد. همچنین در آخر آیه با آوردن عبارت «خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.» در واقع به مردان می‌گوید که از موقعیت خود در خانواده سوءاستفاده نکنند؛ چراکه بالاترین قدرت‌ها نزد خداست.

از سوی دیگر تنها زنی که خفیف بوده و منجر به شکستگی و مجروح شدن نشود، مجاز است؛ نه هر نوع تنبیهی (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/ ۳۷۴)؛ چراکه هدف تنها اثر روانی این نوع تنبیه بر روی زن و تنبیه اوست.

#### چهار. مضیق بودن اختیار زن در مقابل همسر

برخی از مستشرقان و سربازان استشراق در بین امت اسلامی، با توجه به برخی آیات قرآن (نساء/ ۳۴) به اشتباه چنین تصور می‌کنند که از نظر اسلام زن در مقابل شوهر هیچ‌گونه اختیاری نداشته

و باید مطیع محض باشد. (Etin Anwar, Gender and self in Islam, p۱)

آنان در این زمینه می‌نویسند: زن خوب از نظر اسلام زنی است که همچون بردگان مطیع محض شوهرش باشد و اگر مرد ترس از نافرمانی زن را داشت، می‌تواند او را تنبیه کند. از نظر آنان با توجه به این‌که زن و مرد هر دو انسان هستند؛ بنابراین هیچ دلیل علمی و عقلی بر لزوم اطاعت یکی از دیگری وجود ندارد و در موارد اختلاف باید از طریق مشورت مشکل خود را حل کنند (سها، نقد قرآن، بی تا: ۴۹۴).

«کیسیا علی» نیز عقیده دارد که زن تنها در مقابل دستورات منافی تکالیف دینی، حق نافرمانی دارد. او در رابطه با محدوده اطاعت زن از مرد این‌گونه می‌نویسد: «نقطه افتراق تفسیرهای سنتی و تفاسیر اصلاح‌طلبان و فمینیست‌ها همین نکته است که زن باید از شوهر خود در هر امری که با تکالیف دینی زن منافات نداشته باشد، اطاعت نماید.» (کیسیا علی، «ازدواج»، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۶۲).

### تحلیل و بررسی

در زمینه اطاعت زن از مرد، سه نظریه متصور است.

یک. نظریه فمینیست‌ها مبنی بر آزادی مطلق و عدم لزوم تبعیت زن از مرد در تمام مسائل زندگی؛ دو. لزوم تبعیت زن و اجازه از شوهر در همه مسائل زندگی؛ تبعیت بی‌چون و چرای زن از مرد هرگز نظر اسلام و سنتی‌ها نیست و این تهمت و برداشت غلطی است که «کیسیا علی» و برخی از مستشرقان به اسلام می‌زنند؛

سه. لزوم تبعیت زن از مرد در روابط زناشویی و خروج از منزل و عدم نیاز به اذن شوهر در بقیه مسائل زندگی؛ این همان نظر اسلام است.

بر اساس دیدگاه اسلام، زن تنها در امر تمکین و خروج از منزل واجب است که از شوهر خود اطاعت کند و در سایر موارد زن کاملاً حق اختیار دارد.

در رابطه با لزوم اطاعت زن از شوهر در بحث تمکین می‌توان به آیه «وَالَّذِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ...» (نساء/ ۳۴) استناد کرد. در این آیه به این دلیل که مرد هزینه زندگی همسر خود را می‌پردازد، حق استمتاع از او را دارد و بر زن واجب است که در این مورد از شوهر خود اطاعت کند.

در ادامه آیه، خداوند به مردان سفارش می‌کند که اگر از سرکشی برخی زنان بیم دارید، ابتدا آنان را



موعظه کنید و اگر کارساز نشد، در رختخواب به آنان پشت کنید و در مرحله آخر آنان را تنبیه کنید (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴/ ۳۴۵؛ اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۶۲۷/۳).

مورد دیگری که زن باید از شوهر اطاعت کند، بحث ممنوعیت خروج از منزل در صورت منع شوهر است که در روایات به آن تصریح شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَمَرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا» (حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۱۶۱ - ۱۶۲)؛ «رسول خدا از اینکه زن بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود، نهی فرموده است، پس اگر (بدون اجازه) خارج شود، هر فرشته‌ای که در آسمان است و هر چیزی که بر او از جن و انس می‌گذرد تا وقتی که به خانه بازگردد، او را لعنت می‌کند.»

مراجع تقلید با توجه به این‌گونه آیات و روایات در رابطه با موارد اطاعت زن از شوهر فتوا داده‌اند. به‌عنوان مثال امام خمینی (ره) در رابطه با این سؤال که اصولاً اطاعت زن از شوهر خود تا چه حدی باید باشد؟ می‌فرماید: «خروج زن از منزل در غیر موارد وجوب منوط به اذن شوهر است و در غیر استماعات و امور مربوطه به آن واجب نیست، دستورات شوهر را اطاعت کند.» (موسوی خمینی، استفتائات امام خمینی، قم: ۱۳۹۲: ۹/ ۳۲۳). حضرت امام برای خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دو استثنا قائل هستند؛ اول در مواردی که ترک واجب صورت می‌گیرد، زن نباید از سخن مرد اطاعت کند و دیگری در صورتی که زن در ضمن عقد شرط کرده باشد (همان: ۲۹۱).

از نظر نگارنده با توجه به این‌که زندگی بشر یک زندگی اجتماعی است و هر لحظه با افراد مختلفی سروکار دارند، پس نیاز است که انسان‌ها در تعاملات خود، برای بهتر شدن روابط و رسیدن به نتیجه مطلوب، یک نفر را که از همه صلاحیت بیشتری دارد، به‌عنوان مدیر برگزینند تا بتواند در موارد اختلاف حرف آخر را زده و مسئله را تمام کند.

خانواده نیز جامعه‌ی کوچکی است که در آن مردان به دلیل برخورداری از برخی نعمت‌های خدادادی مانند تعقل بیشتر نسبت به زنان و همچنین مسئولیت تأمین هزینه زندگی، وظیفه مدیریت را بر عهده دارند؛ چراکه زن در ابتدا با پذیرش یک مرد از میان خواستگاران مختلف به‌عنوان همسر خود، این مسئله را می‌پذیرد که او مدیر زندگی‌اش باشد و خانواده را با حمایت‌ها و



سرپرستی خود به کمال برساند.

حال برای آن‌که مسئله مدیریت مرد در منزل به‌درستی صورت گیرد، نیاز است که زن از شوهر خود

در برخی موارد تبعیت کند (Maulana Wahiduddin Khan, Woman Between Islam And Western Society, p۳۶۳).

### پنج. عدم دلالت قرآن بر چگونگی توالی خلقت زن و مرد

خانم «کیسیا علی» با بیان تقدم خلقت آدم بر حوا به‌طور ناخودآگاه دستاویزی برای شبهه افکنان ایجاد می‌کند تا چنین تصور شود که در نظر مفسران مسلمان جنس مذکر بر جنس مؤنث برتری دارد. او در رابطه با توالی خلقت آدم و حوا چنین می‌نویسد: «با استفاده از داستان‌های کتاب مقدس و حدیث، مفسران سنتی بر این فرض‌اند که اولین انسان مذکر بود و همسرش مؤنث بود؛ اما این امر در قرآن به‌وضوح بیان نگردیده است.» (کیسیا علی، دانشنامه قرآن کریم، (ازدواج)، ۱۳۹۳: ۶۲).

### تحلیل و بررسی

این سخن نویسنده دارای دونقطه قوت است؛ نخست اینکه ایشان می‌نویسد که این موضوع تقدم خلقت مرد بر زن، در کتاب مقدس هم وجود دارد و دوم این سخن را تنها از مفسران سنتی نقل می‌کند، این به این معنا است که مفسران جدید آن را قبول ندارند؛ اما در کنار این نقاط قوت، دو نقطه منفی نیز وجود دارد؛ نخست اینکه طرح موضوع تقدم خلقت مذکر بر مؤنث، زمینه‌ساز شبهه مردمحوری است. حال آنکه بهتر بود که خانم «کیسیا علی» در کنار این سخن که مرد در خلقت تقدم بر زن دارد، این نکته را نیز از نظر مفسران مسلمان متذکر می‌شد که تأخر زن در خلقت به معنای تأخر ارزشی زن نسبت به مرد نیست، بلکه ملاک ارزش در اسلام تقوا است (حجرات/۱۳).

همان‌گونه که خانم «آنه ماری شیمل» این سخن را تأیید کرده و بر این عقیده است که از نظر قرآن زنان با مردان برابرند و در انجام دستورات مذهبی هر دو یکسان هستند.

(Annemarie Schimmel, My Soul Is a Woman The Feminine Islam, p ۵۴)

دوم، این ادعای ایشان که در قرآن در رابطه با توالی خلقت مرد و زن حرفی به‌طور واضح به میان

نیامده است، سخنی اشتباه است.

به نظر جمعی از مفسران در آیات «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء/۱)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹)؛ و «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (زمر/۶)؛ منظور از (نفس واحد) آدم ﷺ و مراد از «زوجها» حوا است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴/۱۳۵؛ ۸/۳۷۴؛ ۱۷/۲۳۸؛



زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷ ق: ۱/ ۴۶۱؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۲/ ۳۹۱ و ۳۹۲؛ و منظور از «جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/ ۱۸۹)؛ این است که حوا از نوع آدم خلق شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸/ ۳۷۴). همچنین کلمه «ثم» در آیه ۶ سوره زمر دلالت بر ترتیب و تأخیر در خلقت حوا از حضرت آدم دارد و همین کاربرد کلمه «ثم» که برای تأخیر است، شاهد و قرینه‌ای است، بر این‌که مراد از «او» در دو آیه دیگر نیز ترتیب و تأخیر است.

در تفسیر نمونه، در تفسیر آیه ۶ سوره زمر این‌گونه آمده است: «تعبیر به «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» در واقع اشاره به این است که خدا آدم را آفرید، سپس همسرش را از باقیمانده گل او خلق کرد. روی این حساب آفرینش «حوا» بعد از آفرینش «آدم» بوده است و پیش از آفرینش فرزندان آدم.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۳۸۱).

همچنین با توجه به ضمایر مفرد مذکر و دستور به سجده بر حضرت آدم عليه السلام در آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/ ۲۹؛ ص/ ۷۲)؛ «پس چون آن را درست کردم و در آن از روح خود دمیدم، همگی برای (تعظیم) او سجده‌کنان به رو درافتید.» مشخص می‌شود که خداوند در ابتدا تنها حضرت آدم را خلق کرد و پس از آن حوا را آفرید.

در آیاتی از سوره بقره که در رابطه با گفتگو فرشتگان با پروردگار در دلیل خلقت حضرت آدم عليه السلام و دستور به سجده بر ایشان است، ابتدا تنها نام حضرت آدم عليه السلام را ذکر کرده است و پس از آن در آیه ۳۵ به همسر او، حوا اشاره می‌کند (بقره/ ۳۰-۳۵).

از نظر نگارنده با توجه به آیات و روایات می‌توان این‌گونه برداشت کرد که خداوند ابتدا آدم ابوالبشر را از گل خلق کرد و سپس همسرش را از نوع خود او و از باقی مانده گل او آفرید تا در کنارش آرامش یابد. این تأخر در خلقت حضرت حوا دلیل بر مردسالاری و ارزش بیشتر مردان نیست، بلکه از نظر قرآن ملاک برتری و ارزش تقوا است و جنسیت زن و مرد در آن دخالتی ندارد.

## نتیجه

مقاله «ازدواج» دارای نقاط قوتی مانند ذکر صحیح مسائل مربوط به ازدواج است. در کنار این نکات صحیح مقاله دارای نقاط ضعفی است. نویسنده به دلیل عدم مراجعه به قرآن و کتب موثق و کمبود آگاهی از معارف قرآنی قائل به نابرابری زن و مرد از منظر قرآن شده و در نتیجه دچار اشتباهاتی



در زمینه حقوق و تکالیف زوجین در سه حیطة طلاق، تعدد زوجات و حل و فصل اختلافات زناشویی و همچنین توالی خلقت زن و مرد و محدوده اختیارات زن شده است. حال آنکه با توجه به آیات، زن و مرد در پیشگاه خداوند با یکدیگر برابرند و تنها ملاک برتری تقواست و اگر هم در زندگی روزمره وظایف و تکالیف مردان با زنان متفاوت است، این به دلیل قانون هماهنگی نظام حق و تکلیف است.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم: ۱۳۷۳.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ق.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، دار سید الشهداء، قم: ۱۴۰۵ق.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم: ۱۴۰۴ق.
۵. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۱۰ق.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، موسسه التاريخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة عليه السلام، دارالحدیث، قم: ۱۴۲۶ق.
۹. اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعه، فرهنگ سبز، تهران: ۱۳۸۶ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، اسراء، قم: ۱۳۸۸ش.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۹ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق و كشف الصدق، دار الكتاب اللبناني، بیروت: ۱۹۸۲م.
۱۴. رضی، هاشم، دانشنامه ایران باستان، سخن، تهران: ۱۳۸۱ش.
۱۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سها، نقد قرآن، بی نا، بی جا، بی تا.



۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ق.
۱۸. شریف رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، قم: ۱۴۱۲ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ش.
۲۲. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، تهران: ۱۳۷۹ش.
۲۳. قمی، عباس، سفینه البحار، اسوه، قم: ۱۴۱۴ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۴۰۷ق.
۲۵. لیمن، اولیور، دانشنامه قرآن کریم، ترجمه: محمدحسین وقار، اطلاعات، تهران: ۱۳۹۳ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۲۷. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیة، تهران: ۱۴۰۴ق.
۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، قم: ۱۳۷۸ش.
۲۹. —، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، قم: ۱۳۷۴ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۳۷۴ش.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، استفتانات امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم: ۱۳۹۲ش.
۳۲. نوشین، مریم؛ اسکندرلو، محمدجواد، «نقد و بررسی مقاله زنان و قرآن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۵، ۹۶-۱۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
۳۳. ویلیام گلن و هنری مرتن، کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، مترجم: فاضل خان همدانی، اساطیر، تهران: ۱۳۷۹ش.
۳۴. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۷۸ش.
۳۵. www.khabaronline.ir، خبر آنلاین، ۱۳۹۸ش.





## Resources

- ۱- The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi, Naser, Dar al-Quran al-Karim, Qom: ۱۹۹۴.
- ۲- Ahmadi Mianji, Ali, Letters of the Imams (A.S), Dar al-Hadith, Qom: ۱۴۲۶.
- ۳- Alusi, Mahmoud bin Abdullah, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qurn al-'Azim (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qu'an), Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۷ AH.
- ۴- Andalusi, Abu Hayyan Muhammad bin Yusuf, Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir (The Comprehensive Ocean of Exegesis), Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۲۰.
- ۵- Annemarie Schimmel, My Soul Is a Woman The Feminine Islam, New York, Kosel Verlag GMBH, Continuum Publishing Company, ۱۹۹۵.
- ۶- Boroujerdi, Agha Hossein, Jame Ahadith al-Shiah (Comprehensive Shiite Traditions), Farhang e Sabz, Tehran: ۲۰۰۷.
- ۷- Carol R. Ember, Melvin Ember, Encyclopedia of Sex and Gender "Men and Women in the World's Cultures", New York, Spring, ۲۰۰۳.
- ۸- Durant, William James, History of Civilization, Scientific and Cultural Publications, Tehran: ۱۹۹۹.
- ۹- Etin Anwar, Gender and self in Islam, New York, Taylor and Francis, ۲۰۰۶.
- ۱۰- Fayz al-Islam Esfahani, Ali Naqi, Translation and Explanation of Nahj al-Balaghah, Faiz al-Islam Publishing House, Tehran: ۲۰۰۰.
- ۱۱- Hilli, Hassan bin Yusuf bin Motahhar, Nahj al-Haqq and Kashf al-Sadiq (The Right Path and Discovery of Reality), Dar al-Kitab al-Lubnani, Beirut: ۱۹۸۲.
- ۱۲- Hurr Amili, Tafsirl Wasa'il al-Shiah ila Tahsil Masail al-Shariah, Muassasah Alul Bayt (A.S), Qom: ۱۴۰۹ AH.
- ۱۳- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid bin Hibbatullah, Sharh Nahj al-Balaghah, Library of Ayatollah Al-Mara'shi al-Najafi, Qom: ۱۴۰۴ AH.
- ۱۴- Ibn Abi Jumhur, Muhammad bin Zayn al-Din, Awali al-La'ali al-Aziziyah fi al-Ahadith al-Diniyyah, Dar Sayyid al-Shuhada, Qom: ۱۴۰۵ AH.
- ۱۵- Ibn Ash'ur, Muhammad bin Tahir, Al-Tahrir wa al-Tanwir (The Verification and Enlightenment), Muassasah al-Tarikh al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۰.



- ۱۶- Ibn Babawayh (Sheikh Saduq), Muhammad bin Ali, Man la Yahduruhu al-Faqih (For those Who are Unable to Attend a Jurisprudent), Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, ۲nd Edition, ۱۴۱۳ AH.
- ۱۷- Ibn Idris, Muhammad bin Ahmad, Al-Sarair al-Hawi li Tahrir al-Fatawa, Daftar Nashr Islami, Qom: ۱۴۱۰ AH.
- ۱۸- Imam Khomeini's Works, Qom: ۲۰۱۳.
- ۱۹- Javadi Amoli, Abdullah, Rights and Duties in Islam, Esra, Qom: ۲۰۰۹.
- ۲۰- Kecia Ali, MARRIAGE AND SLAVERY IN EARLY ISLAM, London, Harvard College, ۲۰۱۰.
- ۲۱- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۴۰۷.
- ۲۲- Leman, Oliver, Encyclopedia of the Holy Quran, Translated by Muhammad Hossein Waqar, Ittila'at, Tehran: ۲۰۱۴.
- ۲۳- Lev E. Weitz, "Between Christ and Caliph", Philadelphia, University of Pennsylvania, ۲۰۱۸.
- ۲۴- Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar (Oceans of Lights Comprising the Pearls of Narrations from Holy Imams (AS)), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۳ AH.
- ۲۵- Majlisi, Muhammad Baqir, Mirat al-Uqul fi Sharh Akhbar Ale al-Rasul (The Mirror of the Reasons in the Explanation of Ahul al-Bayt's Narrations), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۴۰۴.
- ۲۶- Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran), Naser Khosrow, Tehran: ۱۹۹۳.
- ۲۷- Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۵.
- ۲۸- Maulana Wahiduddin Khan, Woman between Islam And Western Society, ۱۹۹۵.
- ۲۹- Mousavi Khomeini, Ruhollah, Imam Khomeini's Referendums, The Institute for Compilation and Publication of



- ۳۰- Mutahhari, Morteza, Collection of Works, Sadra, Qom: ۱۹۹۹.
- ۳۱- Mutahhari, Morteza, The System of Women's Rights in Islam, Sadra, Qom: ۱۹۹۵.
- ۳۲- Noushin, Maryam; Eskandarloo, Muhammad Javad, "Critique and Reviewing the Article of Women and the Quran", Orientalists' Quranic Research, ۵, ۹۶-۱۲۰, Fall and Winter ۲۰۰۸.
- ۳۳- Qomi, Abbas, Safinah al-Bihar (The Arch in the Oceans), Uswa, Qom: ۱۴۱۴.
- ۳۴- Razi, Hashem, Encyclopedia of Ancient Iran, Sokhan, Tehran: ۲۰۰۲.
- ۳۵- Ruth Roded, Women and the Quran, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, ۲۰۰۱.
- ۳۶- Seha, Criticism of Quran, n.p., N.p.: n.d.
- ۳۷- Sharif Razi, Muhammad ibn al-Hussein, Nahj al-Balaghah, Hijrat, Qom: ۱۴۱۴ AH.
- ۳۸- Suyuti, Jalaluddin, Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bi al-Ma'thur (The Scattered Pearl in the Exegesis of Holy Book by Narrations), Ayatullah Mara'shi Najafi Library Publications, Qom: ۱۴۰۴ AH.
- ۳۹- Tabarsi, Hassan bin Fadhl, Makarem al-Akhlaq (Ehtical Virtues), Al-Sharif al-Radhi, Qom: ۱۴۱۲.
- ۴۰- Tabatabai, Muhammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Muassasah Nashr e Islami Jamia Mudarisin, Qom: ۱۴۱۷ AH.
- ۴۱- William Glenn and Henry Merton, The Bible (The Old and New Testaments), Translated by Fadhil Khan Hamadani, Asatir, Tehran: ۲۰۰۰.
- ۴۲- www.khabaronline.ir, online news, ۲۰۱۹.
- ۴۳- Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (Discovering the Realities of the Ambiguities of the Revelation), Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۷ AH.